

آیه ۲۶۶

آیه و ترجمه

ایود احدکم ان تکنون له جنۃ من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهر له فیها من کل الثمرت و اصابه الکبر و له ذریۃ ضعاء فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت کذلک یبین الله لکم الایات لعلکم تتفکرون ۲۶۶

ترجمه :

۲۶۶ - آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه‌های وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندی (کوچک و) ضعیف دارد، (در این هنگام)، گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می‌کنند). این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد، شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)!

تفسیر :

یک مثال جالب دیگر برای انفاقهای آلوده به ریا و منت

در این آیه مثال گویای دیگری، برای مساله انفاق آمیخته با ریاکاری و منت و آزار و اینکه چگونه این کارهای نکوهیده آثار آن را از بین میبرد بیان شده است، می‌فرماید: «آیا هیچ یک از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انواع انگور داشته باشد که از زیر درختانش نهرها جاری باشد، و برای او در آن باغ از تمام انواع میوه‌ها موجود باشد، و در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندی (خردسال و) ضعیف دارد، ناگهان در این هنگام گردبادی شدید که در آن آتش سوزانی است به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد»، (ایود احدکم ان تکنون له جنۃ من نخیل

و اعناب تجرى من تحتها الانهار له فيها من كل الثمرات و اصابه الكبر وله ذرية ضعفاء فاصابها اعصار فيه نار فاحترقت).

ترسیمی است بسیار زیبا از حال این گونه اشخاص که با ریا و منت و آزار، خط بطلان بر انفاق خویش میکشند، پیر مرد سالخوردهای را در نظر مجسم می کنند که فرزندان خرد سال و کوچکی اطراف او را گرفته اند و تنها راه تاملین زندگی حال و آینده آنان، باغ سر سبز و خرمی است با درختان خرما و انگور و میوه های دیگر، درختانی که پیوسته آب جاری از کنارش میگذرد و زحمتی برای آبیاری ندارد، ناگهان گردباد آتشباری میوزد و آن را مبدل به خاکستر می کند، چنین انسانی چه حسرت و اندوه مرگباری دارد، حال کسانی که اعمال نیکی انجام می دهند و سپس با ریا و منت و آزار آن را از بین میبرند، چنین است، زحمت فراوانی کشیده اند، و در آن روز که نیاز به نتیجه آن دارند، همه را خاکستر میبینند چرا که گرد باد آتشبار ریا و منت و آزار آن را سوزانده است.

و در پایان آیه به دنبال این مثال بلیغ و گویا، می فرماید: اینگونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، شاید بیندیشید و راه حق را از باطل تشخیص دهید (کذلک یبین الله لکم الايات لعلکم تتفکرون). آری سرچشمه بدبختیهای انسان مخصوصا کارهای ابلهانه های همچون منت گذاردن و ریا که سودش ناچیز و زیانش سریع و عظیم است ترک اندیشه و تفکر است، و خداوند همگان را به آن دعوت می کند.

نکته ها

۱ - این مثالهای پی در پی که هر کدام از دیگری گویاتر و ظریفتر است همه در ارتباط با مسائل زراعی است، چرا که نه تنها برای مردم مدینه که این آیات در

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۰

آنجا نازل شد و مردمی زراعت پیشه بودند، بلکه برای تمام مردم دنیا که به هر حال بخشی از زندگی آنان را مسائل زراعی تشکیل می دهد آموزنده بوده و هست.

۲ - از جمله «و اصابه الکبر و له ذرية ضعفاء» (صاحب آن باغ، پیرو سالخورده باشد و فرزندانی کوچک و ناتوان داشته باشد) استفاده می شود که انفاق و بخشش در راه خدا و کمک به نیازمندان همچون باغ خرمی است که هم خود انسان از ثمرات آن بهره مند می شود و هم فرزندان او، در حالی که

ریاکاری و منت و آزار، هم سبب محرومیت خود او می شود و هم نسلهای آینده که باید از ثمرات و برکات اعمال نیک او بهره مند گردند محروم خواهند شد، و این خود دلیل بر آن است که نسلهای آینده در نتایج اعمال نیک نسلهای گذشته سهیم هستند، از نظر اجتماعی نیز چنین است زیرا محبوبیت و اعتمادی که پدران بر اثر کار نیک در افکار عمومی پیدا می کنند، سرمایه بزرگی برای فرزندان آنها خواهد بود.

۳ - جمله «اعصار فیه نار» (گرد بادی که در آن آتشی باشد) ممکن است اشاره به گرد بادهای ناشی از بادهای سموم و سوزان و خشک کننده باشد و یا گردبادی که از روی خرمن آتشی بگذرد و طبق معمول که گرد باد هر چه را بر سر راه خود بیابد با خود همراه میبرد آن را از زمین برداشته و به نقطه دیگری بپاشد، و ممکن است اشاره به گرد بادی باشد که به همراه صاعقه به نقطه های اصابت کند و همه چیز را تبدیل به خاکستر نماید و در هر حال اشاره به نابودی سریع و مطلق است.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۱

آیه ۲۶۷

آیه و ترجمه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا انْفِقُوا مِن طَيِّبَتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۚ ۲۶۷

ترجمه :

۲۶۷ - ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمت های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت های ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است.

شان نزول :

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که این آیه درباره جمعی نازل شد که ثروتهائی از طریق رباخواری در زمان جاهلیت جمع آوری کرده بودند و از آن در راه خدا انفاق می کردند، خداوند آنها را از این کار نهی کرد. و دستور داد از

اموال پاک و حلال در راه خدا انفاق کنند.

در تفسیر «مجمع البیان» پس از نقل این حدیث، از علی (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: این آیه درباره کسانی نازل گردید که به هنگام انفاق خرماهای خشک و کم گوشت و نامرغوب را باخرمای خوب مخلوط می‌کردند و بعد انفاق می‌نمودند به آنها دستور داده شد که از این کار به پرهیزند.

این دو شان نزول هیچگونه منافاتی با هم ندارند و ممکن است آیه در مورد هر دو دسته نازل شده باشد، که یکی ناظر به پاکی معنوی و دیگری ناظر به مرغوبیت مادی و ظاهری است.

ولی باید توجه داشت که طبق آیه ۲۷۵ سوره بقره کسانی که

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۲

جاهلیت اموالی از طریق رباخواری جمع‌آوری کرده بودند و پس از نزول آیه خود داری از ادامه رباخواری نمودند، اموال گذشته بر آنها حرام نبوده است یعنی این قانون شامل گذشته نمی‌شود، ولی مسلم است که این مال در عین حلال بودن با اموال دیگر فرق داشت و درحقیقت شبیه اموالی بود که از طرق مکروه به دست بیاید!

تفسیر :

از چه اموالی باید انفاق کرد؟

در پاسخ آیه گذشته ثمرات انفاق و صفات انفاق کنندگان و اعمالی که ممکن است این کار انسانی و خداپسندانه را آلوده کند و پاداش آن را از بین ببرد بیان شد، در این آیه - که ششمین آیه، در این سلسله است - سخن از چگونگی اموالی است که باید انفاق گردد.

نخست می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از اموال پاکیزه‌ای که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما خارج کرده‌ایم (از منابع و معادن زیر زمینی و از کشاورزی و زراعت و باغ) انفاق کنید»، (یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض). جمله «ما کسبتم»، (آنچه کسب کرده‌اید) اشاره به درآمدهای تجاری است و جمله «مما اخرجنا لکم من الارض» (از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم) اشاره به انواع درآمدهای زراعی و کشاورزی و همچنین معادن زیر زمینی است، بنابراین تمام انواع درآمدها را شامل می‌شود، زیرا سرچشمه تمام

اموالی که انسان دارد، زمین و منابع گوناگون آن است حتی صنایع و دامداری و مانند آن، همه از زمین مایه می‌گیرد. این تعبیر ضمنا اشارهای به این حقیقت است که ما منابع اینها را در اختیار

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۳

شما گذاشتیم بنابراین نباید از انفاق کردن بخشی از طیبات و پاکیزه‌ها و سرگل آن در راه خدا دریغ کنید. سپس برای تاکید هر چه بیشتر می‌افزاید: «(به سراغ قسمت‌های ناپاک‌نروید تا از آن انفاق کنید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت)» (و لا تیمموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه الا ان تغمضوا فیه).

از آنجا که بعضی از مردم عادت دارند همیشه از اموال بی ارزش و آنچه تقریباً از مصرف افتاده و قابل استفاده خودشان نیست انفاق کنند و اینگونه انفاقها علاوه بر اینکه سود چندانی به حال نیازمندان ندارد، یک نوع اهانت و تحقیر نسبت به آنها است، و موجب تربیت معنوی و پرورش روح انسانی نیز نمی‌باشد، این جمله صریحا مردم را از این کار نهی می‌کند و آن را با دلیل لطیفی همراه می‌سازد، و آن اینست که، شما خودتان حاضر نیستید اینگونه اموال را بپذیرید مگر از روی کراهت و ناچاری چرا درباره برادران مسلمان، و از آن بالاتر خدایی که در راه او انفاق می‌کنید و همه چیز شما از او است راضی به این کار می‌شوید. در حقیقت، آیه به نکته لطیفی اشاره می‌کند که انفاق در راه خدا، یک طرفش مؤمنان نیازمندند، و طرف دیگر خدا، و با این حال اگر اموال پست و بی ارزش انتخاب شود، از یک سو تحقیری است نسبت به نیازمندان که ممکن است علی‌رغم تهیدستی مقام بلندی از نظر ایمان و انسانیت داشته باشند و روحشان آزرده شود و از سوی دیگر سوء ادبی است نسبت به مقام شامخ پروردگار. جمله «(لا تیمموا)» (قصد نکنید) ممکن است اشاره به این باشد که اگر در

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۴

لابلای اموالی که انفاق می‌کنید بدون توجه چیز نامرغوبی باشد، مشمول این سخن نیست.

سخن این است که از روی عمد اقدام به چنین کاری نکنید. تعبیر به «(طیبات)» (پاکیزه‌ها) هم پاکیزگی ظاهری را شامل می‌شود، و

ارزش داشتن برای مصرف، و هم پاکیزگی معنوی، یعنی اموال شبههناک و حرام زیرا افراد با ایمان از پذیرش همه اینها کراهت دارند، و جمله «الا ان تغمضوا فیه» شامل همه می شود و این که بعضی از مفسران آن را منحصر به یکی از این دو دانسته اند صحیح به نظر نمی رسد.

نظیر این آیه در سوره آل عمران آیه ۹۲ نیز آمده است آنجا که می فرماید: لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون: «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید».

البته این آیه بیشتر روی اثرات معنوی انفاق تکیه می کند.

و در پایان آیه می فرماید: «بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است» (و اعلموا ان الله غنی حمید).

یعنی نه تنها نیازی به انفاق شما ندارد، و از هر نظر غنی است، بلکه تمام نعمتها را او در اختیار شما گذارده، و لذا حمید و شایسته ستایش است.

بعضی احتمال داده اند که «حمید» در اینجا به معنی اسم فاعل باشد (ستایش کننده) نه به معنی محمود و ستایش شده، یعنی در عین اینکه از انفاق شما بی نیاز است شما را به خاطر اموال پاکیزه های که انفاق می کنید، مورد ستایش قرار می دهد.

نکته :

شک نیست که انفاق در راه خدا برای تقرب به ذات پاک او است و مردم هنگامی که می خواهند به سلاطین و شخصیت های بزرگ تقرب جویند، بهترین اموال خود را به عنوان تحفه و هدیه برای آنها می برند، در حالی که انسانهای ضعیفی

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۵

همچون خودشاناند، چگونه ممکن است انسان به خداوند بزرگی که تمام عالم هستی از اوست، به وسیله اموال بی ارزش و از مصرف افتاده، تقرب جوید، و اینکه می بینیم در زکات واجب و حتی در قربانی نباید از نوع نامرغوب استفاده کرد، نیز در همین راستا است، به هر حال باید این فرهنگ قرآنی در میان همه مسلمین زنده شود که برای انفاق، بهترین را انتخاب نمایند.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۶

آیه ۲۶۸
آیه و ترجمه

الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء و الله یعدکم مغفرة منه و فضلا و الله
وسع علیم ۲۶۸

ترجمه :

۲۶۸ - شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می دهد، و به فحشا (و زشتیها) امر می کند، ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می دهد، و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعدههای خود، وفا می کند).

تفسیر :

مبارزه با موانع انفاق

در ادامه آیات انفاق در اینجا به یکی از موانع مهم آن پرداخته و آن وسوسه های شیطانی در زمینه انفاق است، که انسان را از فقر و تنگدستی میترساند، به خصوص اگر اموال خوب و قابل استفاده را انفاق کند، و چه بسا این وسوسه های شیطانی مانع از انفاقهای مستحبی در راه خدا و حتی انفاقهای واجب مانند زکات و خمس گردد.

در این راستا می فرماید: «شیطان به هنگام انفاق به شما وعده فقر و تهیدستی می دهد» (الشیطان یعدکم الفقر).

و می گوید: تامین آینده خود و فرزندان را فراموش نکنید و از امروز فردا را ببینید و آنچه بر خویشتن روا است بر دیگری روا نیست و امثال این وسوسه های گمراه کننده، به علاوه «او شما را وادار به معصیت و گناه می کند» (و یامرکم بالفحشاء).

«فحشاء» به معنی هر کار زشت و بسیار قبیح است، و در اینجا به تناسب بحث، به معنی بخل و ترک انفاق که در بسیاری از موارد، نوعی معصیت و گناه است آمده (هر چند واژه فحشاء در مواردی به معنی گناه بی عفتی آمده، ولی

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۷

میدانیم در اینجا تناسب چندانی ندارد) حتی بعضی از مفسران تصریح کرده اند که عرب به شخص بخیل، فاحش می گوید.

این احتمال نیز داده شده که فحشاء در اینجا به معنی انتخاب اموال غیر قابل مصرف برای انفاق است، و نیز گفته شده: منظور از آن هر معصیتی است زیرا شیطان به وسیله ترس از فقر و تهیدستی انسان را وادار به کسب مال از انواع

طرق نامشروع می‌کند.

تعبیر به امر کردن شیطان، اشاره به همان وسوسه‌های او است، و اصولاً هر نوع فکر منفی و بازدارنده و کوتاه بیننده، سرچشمه‌اش تسلیم در برابر وسوسه‌های شیطانی است، و در مقابل، هر گونه فکر مثبت سازنده و آمیخته با بلند نظری، سرچشمه‌اش الهامات الهی و فطرت پاک خدادادی است.

در توضیح این سخن باید گفت: در نظر ابتدائی انفاق و بذل مال، چیزی جز «کم کردن» مال نیست و این همان نظر کوته‌بینانه شیطانی است، ولی با دقت و دید وسیع می‌بینیم که انفاق ضامن بقای اجتماع و تحکیم عدالت اجتماعی، و سبب کم کردن فاصله طبقاتی و پیشرفت همگانی و عمومی می‌باشد و مسلم است که با پیشرفت اجتماع، افرادی که در آن اجتماع زندگی می‌کنند نیز در رفاه و آسایش خواهند بود و این همان نظر واقع‌بینانه الهی است.

قرآن به این وسیله مسلمانان را توجه می‌دهد که انفاق اگر به ظاهر، چیزی از شما کم می‌کند در واقع چیزهائی بر سرمایه شما می‌افزاید، هم‌از نظر معنوی و هم از نظر مادی.

در دنیای امروز که نتیجه و اثر اختلافات طبقاتی و پایمال شدن ثروتها به‌خاطر به هم خوردن تعادل تقسیم ثروت به روشنی به چشم می‌خورد درک معنی

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۸

آیه فوق چندان مشکل نیست.

ضمناً از آیه استفاده می‌شود که یک نوع ارتباط میان ترک نمودن انفاق و فحشاء وجود دارد البته اگر فحشاء به معنی بخل باشد ارتباط آن از این جهت است که ترک انفاق و بخششهای مالی، آرام آرام صفت بخل را که از بدترین صفات است در انسان ایجاد می‌کند و اگر فحشاء را به معنی مطلق گناه یا گناه جنسی بگیریم باز ارتباط آن با ترک انفاق بر کسی پوشیده نیست، زیرا سرچشمه بسیاری از گناهان، و بی‌عفتیها و خودفروشیها، فقر و تهیدستی است علاوه بر همه اینها، انفاق یک سلسله آثار و برکات معنوی دارد که جای انکار نیست. سپس می‌افزاید: «خداوند آمرزش از سوی خود و فضل و بخشش را به شما وعده می‌دهد» (و الله یعدکم مغفرة منه و فضلاً).

در تفسیر «مجمع البیان» از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: هنگام انفاق دو چیز از طرف خدا است و دو چیز از ناحیه شیطان آنچه از جانب

خداست یکی «آمرزش گناهان» و دیگری «وسعت و افزونی اموال» و آنچه از طرف شیطان است یکی وعده فقر و تهیدستی و دیگری امر به فحشاء است.

بنابراین منظور از مغفرة، آمرزش گناهان است و منظور از فضل همانطور که از ابن عباس نقل شده زیاد شدن سرمایه‌ها در پرتو انفاق می‌باشد. جالب توجه اینکه از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هنگامی که در سختی و تنگدستی افتادید به وسیله انفاق کردن، با خدامعامله کنید (انفاق کنید تا از تهیدستی نجات یابید). و در پایان آیه می‌فرماید: «خداوند قادر و توانا و عالم است» (و الله واسع علیم).

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۳۹

اشاره به این حقیقت است که چون خداوند قدرتی وسیع و علمی بی‌پایان دارد میتواند به وعده خویش عمل کند بنابراین باید به وعده اودلگرم بود نه وعده شیطان فریبکار و ناتوان که انسان را به گناه میکشاند و چون از آینده آگاه نیست و قدرتی ندارد، وعده او جز گمراهی و تشویق به نادانی نخواهد بود.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۴۰

آیه ۲۶۹

آیه و ترجمه

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُوْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۲۶۹

ترجمه :

۲۶۹ - (خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد، و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند.

تفسیر :

برترین نعمتهای الهی

با توجه به آنچه در آیه قبل گذشت، که به هنگام انفاق، وسوسه‌های شیطانی دائر به فقر و جذبه‌های رحمانی درباره مغفرت و فضل الهی آدمی را به این سو و آن سو میکشد، در آیه مورد بحث سخن از حکمت و معرفت و دانش

می‌گوید، چرا که تنها حکمت است که می‌تواند بین این دو کشش الهی و شیطانی فرق بگذارد، و انسان را به وادی مغفرت و فضل بکشاند و از وسوسه‌های گمراه کننده ترس از فقر بره‌اند. یا به تعبیر دیگر خداوند به بعضی از افراد بر اثر پاکی و جهاد با نفس، نوعی علم و بینش می‌دهد که آثار و فوائد اطاعت الهی و از جمله انفاق و نقش حیاتی آن در اجتماع را درک کند و میان آن و وساوس شیطانی فرق بگذارد. می‌فرماید: خداوند دانش را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد (یؤتی الحکمة من یشاء).

در تفسیر «حکمت» معانی زیادی ذکر شده از جمله «معرفت و شناخت اسرار جهان هستی» و «آگاهی از حقایق قرآن» و «رسیدن به حق از نظر گفتار و عمل» و «معرفت و شناسائی خدا» و «آن نور الهی که وسوسه‌های شیطانی را از الهامات

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۴۱

الهی جدا می‌سازد».

و ظاهر این است حکمت یک معنی وسیعی دارد که تمام این امور، حتی نبوت را که بعضی از معانی آن شمرده‌اند شامل می‌شود که آن نوعی از علم و آگاهی است، و در اصل از ماده حکم (بر وزن حرف) به معنی منع گرفته شده و از آنجا که علم و دانش و تدبیر، انسان را از کارهای خلاف باز می‌دارد به آن حکمت گفته‌اند.

بدیهی است منظور از جمله «(من یشاء)» (هر کس را که بخواهد) این نیست که خداوند بدون هیچ علتی حکمت و دانش را به این و آن می‌دهد، بلکه اراده و مشیت خداوند همه جا آمیخته است، باشایستگیهای افراد، یعنی هر کس را شایسته ببینند از این سرچشمه زلال حیاتبخش سیراب می‌نماید، سپس می‌فرماید: و هر کس که به او دانش داده شود خیر فراوانی داده شده است» (و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا).

و به گفته آن حکیم: هر کس را که عقل دادی چه ندادی و هر کس را که عقل ندادی چه دادی!

قابل توجه اینکه بخشنده حکمت خدا است در عین حال در این جمله‌نامی از او به میان نیامده تنها می‌فرماید: «(به هر کس حکمت داده شود خیر فراوانی داده شده است)».

این تعبیر گویا اشاره به این است که دانش و حکمت ذاتا خوب است از هر جا و از ناحیه هر که باشد تفاوتی در نیکی آن نیست. قابل توجه این که در این جمله می‌فرماید: به هر کس دانش و حکمت داده شد خیر و برکت فراوان داده شده است نه «خیر مطلق» زیرا خیر و سعادت مطلق تنها در دانش نیست بلکه دانش تنها یکی از عوامل مهم آن است و در پایان آیه می‌فرماید: «تنها خردمندان متذکر می‌شوند» (و ما یذکر الا اولوا الالباب).

تذکر به معنی یادآوری و نگاهداری علوم و دانشها در درون روح

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۴۲

است. و «الباب» جمع «لب» به معنی «مغز» است و از آنجا که مغز هر چیز بهترین و اساسیترین قسمت آن است به «عقل» و «خرد» «لب» گفته می‌شود. این جمله می‌گوید: تنها صاحبان عقل و خرد این حقایق را حفظ می‌کنند و به یاد می‌آورند و از آن بهره‌مند می‌شوند اگر چه همه افراد (جز مجانین و دیوانگان) صاحب عقلاند اما اولوا الالباب به همه آنها گفته نمی‌شود. بلکه منظور آنهایی هستند که عقل و خرد خود را به کار می‌گیرند و در پرتو این چراغ پر فروغ، راه زندگی و سعادت را می‌یابند. این بحث را با سخن یکی از دانشمندان اسلامی پایان می‌دهیم (که احتمالا این سخن را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده‌است) «گاه می‌شود که خداوند اراده عذاب و مجازات مردم روی زمین را می‌کند، ولی هنگامی که بشنود معلمی به کودکان حکمت می‌آموزد، به خاطر این عمل، عذاب را از آنها دور می‌سازد».

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۴۳

آیه ۲۷۰ - ۲۷۱

آیه و ترجمه

و ما انفقتم من نفقة او نذرتم من نذر فان الله يعلمه و ما للظلمین من انصار ۲۷۰
ان تبسّدوا الصدقات فنعما هی و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم و یکفر
عنکم من سیاتکم و الله بما تعملون خبیر ۲۷۱

ترجمه :

۲۷۰ - و هر چیز را که انفاق می‌کنید، یا (اموالی را که) نذر کرده‌اید (در راه خدا انفاق کنید)، خداوند آنها را می‌داند. و ستمگران یاوری ندارند.

۲۷۱ - اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما رامیپوشاند، (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد). و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

تفسیر :

چگونگی انفاتها

به دنبال آیات گذشته که درباره انفاق و بخشش در راه خدا و انتخاب اموال خوب برای این کار، توام با اخلاق و اخلاص بحث میکرد در این دو آیه، سخن از چگونگی انفاقها و علم خداوند نسبت به آن است. در آیه نخست می‌فرماید: آنچه را که انفاق می‌کنید یا نذرهایی که (در این زمینه کرده‌اید) خداوند همه آنها را می‌داند (و ما انفقتم من نفقة اونذرتم من نذر فان الله يعلمه).

کم باشد یا زیاد، خوب باشد یا بد، از طریق حلال تهیه شده باشد یا حرام، با اخلاص همراه باشد یا توام با ریا، همراه با منت و آزار باشد یا بدون آن، از ام

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۴۴

باشد که خداوند دستور انفاق آن را داده است یا به وسیله نذر بر خود واجب کرده باشید، هر گونه باشد، خدا از تمام جزئیات آن آگاه است و جزای آن را از خوب و بد به تناسب آن خواهد داد.

و در پایان آیه می‌فرماید: و ظالمان یاوری ندارند (و ما للظالمین من انصار). ظالمان در اینجا اشاره به ثروتمندان بخیل و انفاق کنندگان ریاکار، و مستغزاران و مردم آزاران است، که خداوند آنها را یاری نمیکند و انفاقشان نیز در دنیا و آخرت یاورشان نخواهد بود.

یا کسانی که به خاطر ترک انفاق به محرومان و تهیدستان هم به آنها ظلم کردند و هم به جامعه و هم به خویشان.

یا کسانی که انفاقها را در محل شایسته خود به کار نگرفتند زیرا ظلم به معنی وسیع کلمه، به معنی هر گونه کاری است که در غیر مورد خود انجام گیرد، و از آنجا که منافاتی در میان این معانی سهگانه نیست ممکن است هر سه در

مفهوم آیه جمع باشد.

آری آنها نه در دنیا یار و یاور دارند و نه در قیامت شفاعت کننده‌های و این خاصیت ظلم و ستم، در هر چهره و به هر شکل است.

ضمناً از این آیه استفاده می‌شود که نذر مشروعیت دارد و باید به آن عمل کرد. و این از اموری بوده که قبل از اسلام وجود داشته، و اسلام بر آن صحه گذاشته است.

در دومین آیه سخن از چگونگی انفاق از نظر آشکار و پنهان بودن است، می‌فرماید: اگر انفاقها را آشکار کنید، چیز خوبی است، و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است (ان تبدوا الصدقات فنعماً هی و ان

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۴۵

تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خير لكم).

و بخشی از گناهان شما را میپوشاند (و در پرتو این کار بخشوده خواهید شد) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (و یکفر عنکم من سیئاتکم و الله بما تعملون خبیر).

نکته‌ها

۱- تردیدی نیست که انفاق علنی و آشکار در راه خدا و اختفای آن هر کدام اثر مفیدی دارد، زیرا هنگامی که انسان به طور آشکار و علنی مال خود را در راه خدا انفاق می‌کند اگر انفاق واجب باشد گذشته از این که مردم تشویق به اینگونه کارهای نیک می‌شوند، رفع این تهمت نیز از انسان می‌گردد که به وظیفه واجب خود عمل نکرده است.

و اگر انفاق مستحب باشد، در حقیقت یک نحوه تبلیغ عملی است که مردم را به کارهای خیر و حمایت از محرومان و انجام کارهای نیک اجتماعی و عام المنفعه تشویق می‌کند.

و چنانچه انفاق به طور مخفی، و دور از انظار مردم انجام شود، به طور قطع ریا و خودنمایی در آن کمتر است، و خلوص بیشتری در آن خواهد بود، مخصوصاً درباره کمک به محرومان، آبروی آنها بهتر حفظ می‌شود، و لذا آیه فوق می‌گوید: هر یک از دو کار در مورد خود خوب و شایسته است.

بعضی از مفسران گفته‌اند این دستور تنها درباره انفاقهای مستحبی است و انفاقهای واجب از قبیل زکات و مانند آن بهتر است همیشه آشکار و علنی باشد.

ولی مسلم است که هیچ یک از این دو دستور (اظهار و اخفای انفاق) جنبه عمومی و همگانی ندارد بلکه موارد مختلف است در پاره‌های از موارد که اثر تشویقی آن بیشتر است و لطمه‌های به اخلاص نمیزند، بهتر است اظهار گردد، و در مواردی که افراد آبرومندی هستند که حفظ آبروی آنها ایجاب می‌کند انفاق به

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۴۶

صورت مخفی انجام گیرد و بیم ریاکاری و عدم اخلاص می‌رود مخفی ساختن آن بهتر خواهد بود.

در بعضی احادیث تصریح شده که انفاق‌های واجب بهتر است اظهار گردد، و اما انفاق‌های مستحب بهتر است مخفیانه انجام گیرد.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: زکات واجب را به طور آشکار از مال جدا کنید و به طور آشکار انفاق نمائید اما انفاق‌های مستحب اگر مخفی باشد بهتر است.

این احادیث با آنچه در بالا گفتیم منافات ندارد، زیرا انجام وظایف واجب کمتر آمیخته به ریا می‌شود، چون وظیفه‌ای است که در محیط اسلامی هر کس ناچار است آن را انجام دهد و همچون یک مالیات قطعی است که باید همه بپردازند، بنابراین اظهار آن بهتر است و اما انفاق‌های مستحبی چون جنبه الزامی ندارد ممکن است اظهار آن به خلوص نیت بزند لذا اختفای آن شایسته‌تر می‌باشد.

۲- از جمله و یکفر عنکم من سیئاتکم استفاده می‌شود که انفاق در راه خدا در آمرزش گناهان اثر عمیق دارد زیرا بعد از دستور انفاق در این جمله می‌فرماید: و گناهان شما را می‌پوشاند.

البته مفهوم این سخن آن نیست که بر اثر انفاق کوچکی، همه گناهان بخشوده خواهد شد، بلکه با توجه به کلمه من که معمولاً برای تبعیض به کار می‌رود استفاده می‌شود که انفاق قسمتی از گناهان را می‌پوشاند. روشن است که آن قسمت بستگی به مقدار انفاق و میزان اخلاص دارد.

درباره این‌که انفاق سبب آمرزش می‌شود از طرق اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل تسنن روایات زیادی وارد شده است از جمله در حدیثی آمده است: انفاق نهانی خشم

خدا را فرو می‌نشانند، و همانطور که آب آتش را خاموش می‌کند گناه‌انسان را از بین می‌برد.

و نیز در روایتی آمده است: هفت کس هستند که خداوند آنها را در سایه لطف خود قرار می‌دهد، در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست: پیشوای دادگر، و جوانی که در بندگی پروردگار پرورش می‌یابد، و کسی که قلب او با سجده پیوسته است، و کسانی که یکدیگر را برای خدا دوست دارند با محبت گرد هم آیند و با محبت متفرق شوند، و کسی که زن زیبای صاحب مقامی او را به گناه دعوت کند و او بگوید من از خدامی ترسم، و کسی که انفاق نهانی می‌کند بطوری که دست راست او از انفاقی که دست چپ او کرده آگاه نمی‌گردد! و کسی که تنها به یاد خدامی افتد و قطره اشکی از گوشه‌های چشم او سرازیر می‌شود.

۳ - ضمناً مفهوم جمله والله بما تعملون خبیر این است که خدا عالم است به آنچه انفاق می‌کنید، چه آشکار باشد و چه مخفی و همچنین اواز نیات شما آگاه است که اظهار و اخفای انفاق را به چه منظور و هدفی انجام می‌دهید. در هر حال آنچه در انفاق موثر است نیت پاک و خلوص در عمل است، به علاوه دانستن و ندانستن مردم اثری ندارد و آنچه مهم است علم خداست زیرا اوست که جزای اعمال انسان را می‌دهد و از نهان و آشکار آگاه است.

